

«اک لوک ملتشون»
رهبر حزب «فرانسه سرکش»:انقلاب شهروندی
ادامه دارد■ رژیم فرانسه ردیای حادثه تیراندازی
استراسبورگ را پاک کرد■ سخنگوی جلیقه‌زدها: از انقلاب ۱۹۷۹
ایران الهام گرفته‌ایمتساوی استقلال، باخت تراکتور
و پیروزی پرسپولیس

سوت‌ها

بلای جان فوتبال

آسیب‌شناسی وضعیت این روزهای مهدهای
کودک در میزگرد «وطن امروز»نبود انسجام
در نظام آموزشی
مهدهای کودک■ حوزه «کودک» یک متولی
مشخص نداردمحمدجواد ظریف ۵ سال پس از تلاش بی‌فایده برای تعامل با کدخدا:
دنیا عوض شده و دوران قدر قدرتی در جهان تمام شده
خیال نکنیم هر اتفاقی در دنیا یک سرش در آمریکاست

ندامتنامه!

ظریف: غرب مرکز عالم نیست

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه دولت حسن روحانی دیروز جمعه با گذشت بیش از ۵ سال از مذاکرات هسته‌ای‌اش با آمریکا و اروپا، حالا می‌گوید نه آمریکا کدخداست و نه اروپا و به طور کلی غرب مرکز دنیا نیست و لذا نباید انتظار داشت هر تحولی در دنیا با حضور و دخالت غرب انجام شود. به گزارش «وطن امروز»، ظریف گفت دوران قدر قدرتی تمام شده و نباید خیال کرد هر اتفاقی در دنیا می‌افتد یک سرش در آمریکاست. اظهارات ظریف در واقع نوعی ندامتنامه است از رویکرد و عملکردی که بیش از ۵ سال است محور سیاست خارجی و دستور کار دستگاه دیپلماسی دولت روحانی است. محمدجواد ظریف ۵ سال پس از اعمال و اجرای این دستور کار و در روزهایی که برجام به اندازه یک SPV کوچک شده و در دنیا کسی روی آن حساب نمی‌کند، حالا می‌گوید این تفکر که باید غرب را به عنوان محور تحولات دنیا دید از اساس اشتباه است و دنیا اکنون به دنیای

پس‌غرب وارد شده و در دنیای جدید، ایران باید روی پای خودش بایستد! ظریف ۵ سال پس از مذاکرات هسته‌ای و تعامل با غرب، در حالی دارد حرف‌ها و دیدگاه‌های منتقدان عملکرد خود را تکرار می‌کند که در همین ندامتنامه، البته باز هم جانب انصاف را نگرفته و به جای آنکه اقرار کند به دیدگاه‌های منتقدان رسیده، در ادعایی عجیب مدعی شده است منتقدان او یعنی منتقدان دیپلماسی امتیازدهی به غرب، معتقد به این هستند که غرب مرکز جهان است (!) گویا وزیر امور خارجه از یاد برده است منتقدان سیاست خارجی دولت روحانی و دیپلماسی ظریف در مذاکرات هسته‌ای، بارها خواستار خودبساوری دیپلمات‌های ایرانی و مرعوب نشدن آنها در مقابل آمریکا و اروپا شدند. گویا آقای ظریف فراموش کرده است ۵ سال پیش در دانشگاه در اظهاراتی نسنجیده مدعی شد آمریکا با یک دکمه قدرت دفاعی ایران...

صفحه ۲ یا بخوانید

حجت‌الاسلام و المسلمین صدیقی
خطیب نماز جمعه تهران:برجام را دوباره با
FATF تجربه نکنیدکشور معطل
SPV

در شرایطی که پس از برجام دولت روحانی حداکثر امید خود را به اروپا بسته، کشورهای اروپایی در جلسه اخیر شورای امنیت علیه برنامه موشکی و منطقه‌ای ایران با آمریکا همصدا شدند

رئیس سازمان حمایت مصرف‌کنندگان
و تولیدکنندگان خبر دادقیمت‌گذاری خودرو
با دلار ۹۰۰۰ تومانی نیما

پیروزی سیاسی بزرگ انصارالله یمن در مذاکرات سوئد

آتش‌بس در الحدیده

■ استقبال ایران از تفاهات اولیه میان یمنی‌ها

بیدار بمان آقای فوکویاما!

■ حسن رضایی

و حزب خودش را تشکیل داد، گفته بود به هیچ یک از احزاب شناخته‌شده فرانسوی تعلق ندارد و به قولی، نه چپ است، نه راست. دلیل اقبال افکار عمومی به وی و واگذاشتن لوپن نیز همین درک ناصحیح جامعه فرانسه از واقعیت مکرون بود. به واقع مکرون، قلابی از کار درآمد. مجموعه این واقعیت‌ها نشان می‌دهد جامعه غرب در چند دهه گذشته به صورتی ساختارمند، سرگرم تخریب ساختارهای سیاسی مرسوم و گذار از آنها به چیزی غیر آن است؛ امری که باعث بیداری امثال فوکویاما از خواب خوش پایان تاریخ در افق نئولیبرالیسم شده است. نئولیبرالیسم طی دهه‌های گذشته، همزمان با تخریب زندگی اقصای متوسط و فرودستان، به نوعی مقدمات فروپاشی و تخریب خود را هم فراهم کرده است. اینجا اما کسانی حل مشکل آب خوردن مردم ایران را هم وابسته به دخیل بستن به پنجره همین سیستم رو به افول و انقراض می‌بینند. جماعتی عقب‌افتاده و متوهم‌تر، به دلیل امتناع دولت از اجرای حداکثری نسخه‌های لیبرالی، با گرفتن زست باسواد، از دولت استعفا می‌کنند و دیگری چون آنها، خواستار خصوصی‌سازی بهداشت، آموزش، خدمات اجتماعی و همه چیز به تقلید از غرب هستند!

مجموعه اتفاقاتی که در فرانسه در جریان است، از نگاه بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان، رویترز، المانیور، رسانه‌های اصلاح‌طلب و سلبریتی‌های غالباً بی‌سواد ما اما با کمترین واکنش مواجه بوده است. گویی غرب، همراه رسانه‌های نیابتی‌اش در کشور ما هرگز دوست ندارد واقعیت حال فرانسه را باور کند. تاریخ اما به تنها چیزی که کار ندارد، آرزوهای احمق‌هاست و اتفاقاً تاریخ با همین تحمیل‌هایش شناخته می‌شود. تحمیل واقعیات بر توهمات. تحمیل واقعیت ترسناک برجام بر اقتصاد ایران. رسانه‌های اصلاح‌طلب و لیبرال، این روزها بیشتر برای مکرون اشک می‌ریزند تا مردم فرانسه، سلبریتی‌ها هم بیشتر نگران حال سگ‌شان هستند تا باتوم خوردن مردم بلاد فرنگ. تاریخ اما کار خود را خواهد کرد. بیدار بمان آقای فوکویاما!

شده، به آتشی زیر خاکستر بدل شده است. اگر دقیق بنگریم، قدرت یافتن احزاب راست افراطی در اروپا، رای آوردن ترامپ و اعتراضات این روزهای فرانسه همگی از یک جنس است. جامعه مغرب‌زمین در تمام این موارد، راهی برای مناسبات سیاسی مرسوم را جست‌وجو می‌کند، چرا که امیدوی به سیستم سیاسی حاکم ندارد. مساله قابل تامل درباره جنبش جلیقه‌زدهای فرانسه هم این است که آنها هر گونه وابستگی به هر یک از احزاب سیاسی مرسوم کشور را بشدت نفی می‌کنند.

نامیدی از سیستم حاکم، دیرگاهی است در هم‌گرایی‌های غربی رخنه کرده است. دیکتاتوری رسانه‌های غرب در تمام این سال‌ها اما باعث شده این نامیدی، لزوماً منتج به انقلاب نشود. از دست رفتن اعتبار رسانه‌های رسمی دولت‌های غربی در منظر افکار عمومی اما بتدریج در حال تکمیل این حلقه مفقوده است و می‌تواند موجب فروپاشی این آخرین دژ مقابل توفان مردم خشمگین و فرودستان شود. وقتی فوکویاما با دستپاچی از شکست لیبرالیسم سخن می‌گوید، به واقع زنگ هشدار نسبت به همین وضعیت را - البته با تاخیری چند دهه‌ای - به صدا درمی‌آورد. غرب گنج است، نه می‌فهمد کلید تسلط بر خاورمیانه چیست، نه می‌تواند بیداری اسلامی را هضم کند و نه حالا می‌فهمد راه برون‌رفت از پنجه گرسنگان اروپایی و آمریکایی کدام است.

باراک اوباما چند سال پیش از این گفته بود: «دلیل اینکه بسیاری از مسائل آمریکا حل نشده این است که بخش زیادی از جمعیت آمریکا، بویژه جوانان در انتخابات شرکت نمی‌کنند. سال ۲۰۱۴، میزان مشارکت مردم در انتخابات در پایین‌ترین سطح از زمان جنگ دوم جهانی بود!» اوباما و همفکرانش نمی‌خواهند بفهمند نسل جوان غرب، با کلیت این سیستم مشکل دارد و وقتی هم در وال استریت، لندن، پاریس و ... سرکوب شود، دوباره با انتخاب ترامپ و راست‌های افراطی سعی می‌کند چماق این حقیقت را بر سر امثال اوباما بکوبد. نکته قابل تامل درباره پیروزی مکرون در انتخابات اخیر فرانسه هم که غالباً نادیده انگاشته می‌شود، این است که وی هنگامی که از کابینه اولاند بیرون آمد

فرانسه این روزها در آتش می‌سوزد. دولت‌مکرون چند هفته است با باتوم، گلوله و گاز اشک‌آور از مردم پذیرایی می‌کند؛ آنها ولی دست از مطالبات گسترده خود بر نمی‌دارند. در مقام مقایسه، اعتراضات مردم فرانسه را به لحاظ گستردگی و سطح خشونت، به جرأت می‌توان با اعتراضات مردم مصر، تونس، بحرین و ... در جریان بیداری اسلامی هم‌وزن دانست. فرانسوی‌ها دست خالی به مبارزه با گارد ویژه پلیس، نیروهای ضدشورش و جدیداً افراد اعزامی از ارتش رفته‌اند. در جدیدترین اتفاق همزمان با اعلام وضعیت اضطراری از سوی مکرون، حمله تکتیراندازی ناآشناس در شهر استراسبورگ، قتل ۳ نفر و زخمی شدن ۱۲ تن را در پی داشته است.

با این حال، افکار عمومی فرانسه که همراهی ۸۰ درصدی با جنبش جلیقه‌زدها دارد، هجوم مسلحانه به معترضان را بیشتر سناریوی دست‌گام امنیتی پاریس برای توجیه برخورد‌های سخت‌تر با مردم می‌داند تا یک حادثه تروریستی. در آنسو اما پلیس فرانسه با تاخیری چندروزه اعلام کرده تکتیرانداز مدنظر، هنگام شلیک، فریاد الله‌اکبر سر داده است؛ سناریویی که بعید است از سوی مردم معترض بسادگی باور شود. آگاهان دنیا و آنها که نبض سیاست را فارغ از حقد و کینه‌های مرسوم سیاسی - حزبی می‌سنجند، بخوبی می‌دانند اعتراضات این روزهای فرانسه، ابدا مساله کوچکی نیست. مردم به جان آمده از سلطه کارتل‌ها و تراست‌های عظیم اقتصادی، دیگر نمی‌خواهند کارگر و کارمند ثروتمندانی باشند که دولت به صورت سیستماتیک آنها را حمایت و نمایندگی می‌کند.

این البته نخستین باری نیست که ساکنان بهشت مغرب‌زمین از وفور نعمات (!) به تنگ آمده دست به آشوب و اعتراض می‌زنند. در قریب ۲۰ سال گذشته، جنبش‌های مشابهی را در کشورهای ایتالیا، آلمان، آمریکا، یونان، ایرلند، انگلیس، هلند، اسپانیا و سایر کشورهای اروپایی شاهد بودیم. جنبش‌هایی که مکرراً زیر ضربات باتوم پلیس و دیکتاتوری رسانه‌های غرب سرکوب

چرخ-زندگ

پویش مردمی اهدای ۳۰۰۰ ویلچر
به معلولین مناطق کم‌برخوردار
به مناسبت روز جهانی معلولین

۴۰۳۰ *

به همت بنیاد اجتماعی برکت احسان

پيامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۲۳۱

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲